

تماشا خانه

شام با زندگی



دکتر غلامحسین معتمدی

● بوریس ایخن باوم (Boris Ejxenbaum) پژوهشگر فرمالیست روس که بیش از سایر صورتگرایان به سینما و فرم در آن پرداخته، معتقد است که ما هنگام تماشای فیلم در طلب انزواییم و خود را در جمع حس نمی‌کنیم و با نگاهی شخصی و خصوصی به تماشای فیلم می‌نشینیم، همان‌گونه که به خواب‌های خود می‌نگریم. به نظر می‌رسد که در تئاتر برخلاف سینما به علت اجرای زنده بازیگران، تماشاچی خود را در میان جمع می‌بیند و به نوعی در متن بازیمایی زنده زندگی قرار می‌گیرد. با توجه به این امر و با عنایت به نظر ایخن باوم شاید بتوان گفت که به همین دلیل تئاتر نمی‌تواند مانند سینما رویا بفروشد، اما به جای آن برداشتی واقعی‌تر از روابط میان انسان‌ها رای می‌دهد. دهه‌هاست که مردم، سینما را در تلویزیون و در خلوت خود تماشا می‌کنند. پدیده سینمایی خانگی هم حتی در نوع سه‌بعدی آن جلوه عینی انزوا و رویا یا کابوسی است که ایخن باوم می‌گفت. از سوی دیگر تئاتر با خواب قرابتی ندارد و به‌طور مستقیم با زندگی، آن هم در میان جمع و به‌طور زنده سرو کار دارد.

با این مقدمه می‌خواهم به حضور زندگی در تئاتر و آنچه بر صحنه نمایش «شام با دوستان» اتفاق می‌افتد اشاره کنم و البته بیشتر از همه به قلمرو زندگی روزمره بپردازم که در این نمایش شاهد انعکاس آن هستیم.

امروزه زندگی روزمره به یکی از مهم‌ترین مقولات فلسفه و جامعه‌شناسی بدل شده است. براساس نظریه‌های انتقادی زندگی روزمره علم، اخلاق و هنر که منکس‌کننده منش‌ها و ارزش‌های انسان هستند از بطن زندگی روزمره به وجود می‌آیند ولی در جهان مدرن پیوند میان آنها و زندگی روزمره گسسته شده، تا جایی که کلیت آن را مخدوش کرده است. از این دیدگاه علم به‌ویژه به علت تخصصی‌شدن بیش از اندازه، بیشتر از زندگی روزمره فاصله گرفته ولی هنر هنوز پیوند محکمی‌تری با آن دارد. مدت‌هاست که جنبه‌های حماسی، آرمانی و تغزلی زندگی کم‌رنگ شده است ولی نباید اندیشید که زندگی روزمره عرصه پیش پا افتاده و مبتذل است که از فروگاستن اصل زندگی حاصل شده است.

برعکس باید آن را عمده‌ترین عرصه تولید معنا به شمار آورد. در این قلمرو همچنان که زندگی کنشگران موردتوجه قرار می‌گیرد، هم‌زمان به ساخت‌های کلان جامعه نیز توجه می‌شود. قابلیت‌ها و توانش‌های فردی و جمعی در این عرصه امکان ظهور پیدا می‌کنند و زندگی از آنچه هست به آنچه باید باشد تبدیل می‌شود.



زندگی در سینما به صورت تصویر منعکس، ولی بر صحنه نمایش، زندگی می‌شود. بیهوده نیست که ایخن باوم برای مونتاژ در سینما وظیفه‌ای سبک‌شناختی قایل است که نقش پیرنگ‌سازی دارد. حال آنکه در تئاتر تداوم زنده بازی نیاز به این پیرایه‌ها و ترفندها ندارد و خود زندگی می‌تواند پیرنگ اصلی قرار گیرد. نمایش شام با دوستان به کارگردانی آیدا کیخایی نمونه ساده و موفقی از تجلی زندگی روزمره در هنر است که به خاطر این پیوند، هم در دام صنعت فرهنگ نمی‌افتد و هم به‌طور مشخص به یک عنصر مهم زندگی روزمره یعنی رابطه زن و مرد می‌پردازد و به عنصر مهم دیگر یعنی غذا هم اشاره‌ای دارد.

در قلمرو روانشناسی یکی از کلون‌های توجه علوم رابطه‌ای، ارتباط نزدیک میان زن و مرد است که محور اصلی نمایش «شام با دوستان» را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین اصل منحصربه‌فرد بودن این رابطه است. رابطه نزدیک داستانی است که توسط دو نفر نوشته می‌شود. این داستان می‌تواند مزخرف، ناتمام، جذاب، کشدار، ساده یا پیچیده باشد اما در هر صورت منحصربه‌فرد است و قضاوت اخلاقی و حکم صادر کردن در مورد آن راه به جایی نمی‌برد. در این نمایشنامه یک رابطه به پایان می‌رسد و دیگری تداوم می‌یابد. در حالی که اختلاف‌نظر شخصیت‌ها در مورد یک رویداد مشخص به چشم می‌خورد ولی همگی در مورد غذا، اتفاق نظر دارند چون به قول کامو هیچ‌کس در لذت‌هایش ریاکار نیست. در عین حال لذت دیگر که بر خوردراری از یک رابطه مطلوب به زعم هرکس است به دلیل قضاوت‌های اخلاقی و تعارض‌های پنهان درونی افراد انکثر، تحریف و گاه بد فهمید می‌شود. ولی چون لذت، است که در برابر عدم لذت قرار می‌گیرد سرانجام راه خود را پیدا می‌کند و به همان جایی می‌رسد که باید برسد. یعنی همان آموزه‌ای که هم از دل اصول زندگی روزمره بیرون می‌آید و هم با یافته‌های علوم رابطه‌ای همخوانی دارد. بگذارد هر کس همان‌طور که می‌خواهد زندگی کند.



سوسن دهلوی نوازنده ستور و همسر استاد دهلوی

در ابتدا از همه افرادی که مراسم بزرگداشت آقای دهلوی را در خانه هنرمندان تدارک دیدند تشکر می‌کنم. معمولاً اینگونه مراسم‌ها، خسته‌کننده است؛ اما در این بزرگداشت، سخنرانی‌های خوبی ایراد شد که طولانی و خسته‌کننده نبود. آقایان سریر، علیزاده و نوربخش صحبت‌های بجایی ایراد کردند. دوستان فیلم مستندی هم در مورد آقای دهلوی

شرق: نام حسین دهلوی برای خیلی از ما گر خورده با نام ایرای بیژن و منیزه، با مانی و مانا و ملودی‌های خاطره‌انگیز: اما رییس سابق هنرستان موسیقی سال‌هاست که دست به ساز نبرده است و نت تازه‌ای روی پارتنیتر نوشته است. حسین دهلوی سال‌هاست که در انتظار اجرای ایرای مانی و ماناست. اما شاگردان سابق و هنرمندان صاحب‌نام امروز استاد را از یاد نبرده‌اند. روز پنجشنبه ششم‌تیر خانه هنرمندان میزبان حسین دهلوی و شاگردانی بود که با برگزاری مراسمی در حضور خودش از او تجلیل کردند. مراسمی که بخشی‌اش انتقاد از وضعیت موسیقی بود. یکی از این شاگردان سال‌های نه خیلی دور، حسین علیزاده بود که روزگاری مشق موسیقی را در حضور استادش آغاز کرده و حالا یکی از قله‌های موسیقی ایران است. علیزاده با مرور خاطره‌هایش از نقش مهمی که دهلوی در تربیت نسلی از هنرمندان موسیقی داشت، گفت: «اولین روزی که به هنرستان موسیقی رفتم آقای دهلوی از من امتحان گرفت و من را پذیرفت و شاید آن زمان که در این رشته پذیرفته شدم هنوز با عظمت موسیقی آشنا نبودم. همان روز اول فهمیدم که با چه موضوع جدای سروکار خواهم داشت، چراکه آن زمان جامعه در مورد موسیقی برخورد خوبی نداشت و در اقوام هم بودند کسانی که موسیقی دوست داشتند، اما خانواده‌شان این اجازه را به آنها نمی‌دادند.»

او با اشاره به اینکه وجود دهلوی بزرگ در تغییر اینگونه نگرش به موسیقی موثر بوده گفت: «آن زمان سوءفهمی وجود داشت که کسانی که در درس موفق نبودند به هنرستان موسیقی می‌آمدند، غافل از اینکه مدبری در هنرستان حضور دارد که موسیقی در خونس است. دهلوی اولین استاد من است و فردی را به اندازه او جدی در آموزش ندیده‌ام. روز اول که به هنرستان رفتم تعداد ما ۴۶ نفر

سحر آزاد: تابستان‌ها که گرم‌های هوا بی‌الا می‌رود، کرکره گاری‌ها هم پایین می‌آید و حتی خیلی از آنها به تعطیلات تابستانی می‌روند. با این همه گاری دی چند سال است که در رکود نمایشگاه‌های تجسمی و زمانی که ممکن است خیلی‌ها دوست داشته باشند، در یک فضای دنج و آرام به دیدن آثار هنری بنشینند، نمایشگاهی سالانه برپا می‌کند که یاد و خاطره طیفی از نقاشان و مجسمه‌سازان معاصر ایرانی را زنده نگه می‌دارد. این نمایشگاه که «از گذشته تا فردا» نام دارد، امسال نیز برای پنجمین سال متوالی از ۳۱ خرداد تا ۱۵ تیر درحال برگزاری است. فریا سلحشور، مدیر گاری دی که بانی شروع این حرکت نیز هست، اولین دوره این نمایشگاه را با یاد و خاطره مرحوم ایرج زند برپا کرد. در آن روزها او درحال گردآوری آثاری از هنرمندان مطرح و صاحب‌سبک برای تدارک نمایشگاهی گروهی بود که از طریق همسر مرحوم ایرج زند متوجه هم‌زمانی نمایشگاه با سالروز تولد این نقاش و مجسمه‌ساز شد و همین بهانه‌ای را رقم زد تا نمایشگاه را به یاد ایرج زند افتتاح کنند. در آن نمایشگاه آثاری از ۷۹ هنرمند چون ایرج زند، محمد احصایی، سهراب سپهری، منیر فرمانفرمایان، ناصر عصار، بهجت صدر، بهمن محصص

و... به نمایش گذاشته شد و در دوره‌های بعد این روال ادامه پیدا کرد. حالا پنج‌سال از اولین دوره برپایی این نمایشگاه سالانه می‌گذرد و همچنان گاری دی میزبان آثاری از هنرمندانی شده است که هریک جایگاه مشخصی در هنرهای تجسمی ما دارند. البته تنها نام‌های شناخته‌شده در این نمایشگاه جای ندارند بلکه به نسل جوان هم توجه شده است همچنان که هنرمندانی نیز که تاکنون موفق به برپایی نمایشگاه نشده‌اند، آثراشان را برای بررسی و نمایش در اختیار گاری دی قرار داده‌اند تا این نمایشگاه همچنان که از نامش پیداست، با نمایش نقاشی و مجسمه‌هایی از ابوالقاسم سعیدی، حسین زنده‌رود، بهجت صدر، حسین کاظمی، محسن وزیریمقدم، جلال شباهنگی، میرعبالرضا دریابگی، هوشنگ سیحون، معصومه سیحون، فریده لانثایی، زازه تباتبایی، مهدی سحلی، کامران دیبا، نصرالله مسلمیان، نیکزاد نجومی، سمیرا علیخیزاده، علی رضا، ناهید آرنی، دادا اودادیان،



اجرای نمایش ایوانف در دو کشور بلژیک و آلمان نظر منتقدان و تماشاگران این دو کشور را به اثر خود جلب کرد. امیرضا کوهستانی کارگردان این نمایش در گفت‌وگو با ایسنا، با اعلام این خبر گفت: «در تمام نقدهایی که در سایت‌ها و روزنامه‌ها نوشته شده بود، همه معتقد بودند این نمایش انتخا ب بسیار خوبی برای افتتاحیه جشنواره بوده است.» این نمایش در بروکسل، بوزار و هانوفر به نمایش در آمده است. حسن معجونی، نگار جواهریان، مهین صدری، سعید چنگیزیان، از بازیگران ایوانف هستند. در یکی از نقدهایی که در آلمان درباره ایوانف منتشر شده آمده: «ایوانف» به روایت کوهستانی از یک سو به امروز اشاره دارد. شایعانی که خانواده لیبف بر زبان می‌آورند، همانند شایعانی است که گاه در شبکه‌های اجتماعی امروزی مثل فیس‌بوک و توئیتر به شاهدشان هستیم. آدم‌ها درباره خالکوبی شکم ایوانف به سبکی بسیار مدرن تکیه می‌کنند. این میزائسن هم‌زمان به شکل کاملاً درونی و خاصی اجرا می‌شود. موقعیت شخصیت‌ها صحنه واقعی نمایش را شکل می‌دهد»

عکس: رضا معطریان

هنر

یاد استاد

نسل موسیقیدانان غمگین

شادی داشته باشد و اینقدر غمگین نباشد. با تمام این مسایلی نمی‌خواهم طلبکارانه صحبت کرده باشم؛ چون می‌دانم واقعا زحمت کشیده‌اند و حدوداً از سال ۸۳ مشغول این کار بوده‌اند. فقط به‌نظرم اگر کمی هم از آثار آقای دهلوی پخش می‌شد شاید بهتر بود. شاید هم قصدشان این بوده که فیلم حالتی قدیمی داشته باشد. خیلی‌ها گفتند این فیلم خیلی غم‌انگیز بود. شاید می‌خواستند این فیلم بر مسوولان تاثیرگذار باشد و در تاریخ بماند؛ تا بدانند موسیقیدان‌ها در این دوره زمانی، شاد نبودند. نکته دیگری که در مورد آقای دهلوی باید مطرح

حسین علیزاده در مراسم بزرگداشت حسین دهلوی:

وزیر بعدی نام موسیقی را از زبانش ندزدد



عکس: صدیقا دستگیری

بود اما تنها ۱۴ نفر از هنرستان فارغ‌التحصیل شدند یعنی هنرستان با کسی شوخی نداشت. در سال‌هایی که دهلوی مدیر هنرستان بود یکی از مسایلی مهم، آموزش اولیه بود طوری که وقتی وارد هنرستان می‌شدیم می‌دانستیم که قضیه جدی است و ما هم از دهلوی بسیار حساب می‌بردیم. او همه جای هنرستان را زیر نظر داشت. هنرجویان از نظر اخلاق، استعداد و خیلی چیزهای دیگر بررسی می‌شدند و دهلوی برای ما نوعی پدر محسوب می‌شد چراکه ما بیشتر وقتمان را با هنرستان بودیم و نزد او تربیت می‌شدیم. در واقع نمی‌توانستیم از آنجا دل بکنیم.» علیزاده در بخش دیگری از صحبت‌هایش به خاطره دیگری از استاد پرداخت: «آن زمان وقتی استاد دهلوی کسی را در دفترش احضار می‌کرد قرار بود اتفاق خاصی بیفتد و اگر شاگرد خوبی نبودی دهلوی هیچ‌گاه صدايت

با وجود تعطیلی تابستانی اغلب گالری‌ها رخ داد استقبال از نمایشگاه ۷۹ هنرمند

علی گلستانه، علیرضا آدم‌بکان، شهلا احمدی‌مقدم، محمدرضا قرانزه، رستم جلایر، شیده تامی، یاسمین سینیایی، حسین چراغچی، داریوش قره‌زاد، محمد مساوات، ژاله طالب‌پور، عین‌الدین صادق‌زاده، حسن سلاجقه، هاور امینی، فرشته ستایش، راضیه پورسالاری، شیدا کلامیان، میترا کلویان، علیرضا سعادت‌مند، شیرین پیله‌وری، سحر صالحی، لیلا بانکی، مهتاب فیروزآبادی، اردشیر ساسانی، ربابه حسین‌پور، امیر موسوی‌زاده، زهره اخوان، فاطمه زاله، شیرین بابی‌زاده، داریوش مهاجر، رانشین قربی، شهباز سلمانی، گلنار قدیری، کیهان خلیلی‌فرد، احمد خلیلی‌فرد، محمد سمندریان، پریسا مهدی‌زاده، مهرناز سلیمی و امیر سقراطی مروری باشند از گذشته تا فردا. البته به رسم تمام نمایشگاه‌هایی که گالری‌گردها به آن عادت دارند، در این نمایشگاه هم با حجم زیاد تابلوها و کنار هم قرارگرفتن آنها، فضایی که بیننده بتواند با تامل و تمرکز به دیدن آثار بپردازد،

نگاه‌هفته

شتابزدگی در تعطیلی و بازگشایی خانه سینما

هیاهو برای هیچ



فرانک آرتا

مهم‌ترین تشکل صنفی- مدنی «سینمایی» یا بهتر بگوییم «هنری» کشورمان همچون گوشت قربانی تکه‌تکه شد و چنددستگی میان اصنافش ایجاد کردند دو نفر از مدیران دخیل در اجرای این دستور کتابی به‌کل سازمان سینمایی را ترک کردند و در «جای دیگر» قرار گرفت؛ا سوسمی هم همچنان به دفاع از این دستور می‌پردازد. حکایت تعطیلی «خانه سینما» همچون خانه‌ای است که لوله آبش ترکیده و به جای اینکه لوله آب را تعمیر کنند، کل خانه را خراب کردند. اگر با اشخاص مشکل داشتید، چرا تیشه به ریشه این نهال مدنی زدید؟ اظهارات اخیر آقایان همین نکته را گوشزد می‌کند که از ابتدا هم دلیل منطقی برای تعطیلی «خانه سینما» وجود نداشت، چون اگر داشتند رییس سازمان



چهره روز

گلایه «شوالیه آواز ایران»

در مراسم تشییع استاد ابراهیمی

این مرد دهرستی باید پایان یابد



● شرق: شهرام نظاری با بیعتی از مولانا، همه آن چیزی را که می‌شد درباره مرگ غربانه استاد احمد ابراهیمی یکی از شناخته شده‌ترین استادان ردیف و آوازخوان‌های خوش‌صداي موسیقی کشور گفت، به آواز خواند. اهالی موسیقی روز پنجشنبه ششم تیر هم مانند پنجشنبه ۳۰ خرداد به تشییع یکی دیگر از استادان موسیقی رفته بودند. احمد ابراهیمی که روز سه‌شنبه بعد از یک دوره طولانی درگذشت، هم از مقابل تالار وحدت تا بهشت زهرا تشییع شد.

شهرام نظاری که از دوستان ابراهیمی بود؛ می‌نام ارشاد خدمت کند باید کسی باشد که وقتی صحبت می‌کند نام موسیقی را از زبانش نذرند؛ «علیزاده همچنین با تقدیر از سوسن دهلوی همسر استادش گفت: «به امید اینکه استاد دهلوی همچنان بالاسر ما باشند و همین که صبح از خواب بیداری می‌شویم و می‌بینیم که سایه او بر سر ماست خوشحالیم». حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی هنرمند دیگری بود که گفت: «استاد حسین دهلوی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های معاصر و یکی از بزرگان موسیقی ایران است که بیش از هفت دهه از عمر گرانسنگ خود را در راه اعتلای این هنر هزینه کرده‌است. نکوداشت استاد دهلوی قرار بود در آن جشن انجام شود که متأسفانه سال گذشته به دلایلی لغو شد و ما تصمیم گرفتیم در یک مراسم ویژه و اختصاصی این وظیفه را به جا آوریم که امشب شاهدش هستیم». نوربخش با اشاره به درگذشت استادان موسیقی در یکی دو هفته گذشته نیز گفت: «روزها و ماه‌هایی که گذشت ما شاهد درگذشت بزرگانی چون فریدون حافظی، جلیل شهنواز و احمد ابراهیمی بودیم که درگذشت هرکدام از آنها ضایعه بسیار بزرگی برای موسیقی ایران بود و امیدواریم که دیگر شاهد چنین روزهای غم‌انگیزی نباشیم.»

محمّد سریر هم که درباره نقش دهلوی در موسیقی سخن می‌گفت؛ افزود: «دهلوی به نظر من موثرترین فرد در عرصه آموزش کشور است. تحولی که او در حوزه آموزش ایجاد کرد و موسیقی را به‌طور علمی در ایران به وجود آورد، ارزشمند است». حمیدرضا اردلان پژوهشگر موسیقی نیز یکی دیگر از سخنرانان این مراسم بود. در انتهای مراسم و بعد از پخش فیلمی درباره حسین دهلوی و اجرای موسیقی توسط سوسن دهلوی، تندیس خانه موسیقی توسط حسین علیزاده و هوشنگ کامکار به دهلوی تقدیم شد.

نظاری با بیان اینکه علاقه ویژه‌ای به استاد داشت، گفت: «هرچند که آنطور که شایسته بود، خدمتشان نرسیدم، ولی توسط دوستان عزیز آقایان پورامید و عاطفی خدمتشان رسیده بودم و آخرین روزی که ایشان روی تخت بیمارستان بودند، برای دیدارشان به همراه آقای پورامید به ملاقات رفتم». نظاری صحبت‌هایش را با این بیست به پایان رساند: «ای وصالت آرزوی عاشقان/ وی خیالت پیش‌روی عاشقان...»

علیرضا قربانی که از شاگردان استاد ابراهیمی نیز بود؛ به رسم شاگردی چند کلمه‌ای از او گفت: «از سال‌های قبل خدمت استاد می‌رسیدم، ولی اواخر دیدارنام کمتر شده بود و گاهی در فرهنگسرا استاد را می‌دیدم. چیزی که برای من مهم است، توانایی این استاد در حیطه ادبیات بود. جناب استاد همیشه افتخار می‌کردند در دورانی در دانشگاه تهران درس خوانده‌اند که استادان ارزشمندی

در حال تدریس بودند.» قربانی به رسم شاگردی برای استاد ابراهیمی خواند: ما شبی دست برآزیم و دعایی بکنیم/ غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم.» پیکر این استاد موسیقی در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد.

پیشنهاد روز

نمایشنامه‌خوانی «ملی»

به نفع بانوان بی‌سرپرست

● شرق: نمایشنامه‌خوانی دیگری از سلسله نمایشنامه‌خوانی‌های بنیاد خیریه برکت، به نفع بانوان بی‌سرپرست و بد سرپرست برگزار می‌شود. در جدیدترین جلسه نمایشنامه‌خوانی بنیاد خیریه برکت، در روز شنبه هشتم تیر ۱۳۹۲، نمایشنامه «ملی» نوشته «هنگامه مفید» به کارگردانی «افسانه زمانی» توسط هنرمندانی چون مهشاد مخبری، فرزین محدث، وحید آقاپور، معصومه کاظمی، پریناز لطفالاهی، مریم معینی و غزاله مرادی خوانش می‌شود. تمامی عواید حاصل از این نمایشنامه‌خوانی صرف مخارج بانوان بی‌سرپرست خواهد شد. این نمایشنامه‌خوانی به مدت یک ساعت در تاریخ هشتم تیر ۱۳۹۲ از ساعت ۲۰ تا ۲۱ در محل فرهنگسرای ارسباران با حضور هنرمندان تئاتر و سینما، برگزار می‌شود.

سرخط

● مهر: برخی از یادگاری‌های چهره‌های مشهور سینما در حراجی کریستی لندن چکش خورد. در این حراجی اولین لباس عروسی الیزابت تیلور به قیمت بیش از سه برابر آنچه انتظار می‌رفت، فروخته شد. ساعت جیمز باند که شان کاتری در فیلم «تندر بال» در سال ۱۹۶۵ به دست داشت هم به قیمتی بالای ۱۶۰ هزار دلار فروخته شد. ● ایسنا: علی سر تیپی، بخش‌کننده فیلم «گذشته»، اصغر فرهادی اعلام کرد آمار فروش این فیلم تا ششم تیر و کمتر از ۱۰ روز نمایش، ۴۰۰ میلیون تومان بوده است. به گفته او اگران این فیلم در شهرستان‌های مشهد و کرج آغاز و استقبال خوبی از آن انجام شده است.